

به مناسبت روز جهانی کارگر

کارگران ضد سرمایه داری / اول ماه مه ۲۰۲۲

طبق گزارش سازمان "آکسفام"، در سال ۲۰۲۱، مجموع ثروت ۱۰ میلیارد جهان از ۷۰۰ میلیارد دلار به ۱۵۰۰ میلیارد دلار یعنی بیش از ۲ برابر افزایش یافته است. در همین مدت ۱۶۰ میلیون نفر به زیر خط فقر اضافه شده اند. ۹۷ میلیون نفر درآمدی کمتر از ۲ دلار داشته اند و این درآمد ناچیز به مرگ ۲۱ هزار نفر انجامیده است. آثار و عوارض اجتماعی این آمارها کاملاً محسوس و تکان دهنده است. کدام روز است که قیافه غمبار هزاران کودک گرسنه را از صفحه تلویزیون و موبایلها مشاهده نکنیم. سیل میلیونی مهاجرین به دنبال کار و فراری از جنگ را به چشم نبینیم که بدون داشتن ابتدائی ترین مایحتاج معیشتی، بدون دسترسی به مدرسه و آموزش و دارو و درمان، اسیر عظیم ترین تحقیرها، توهین ها و گرسنگی ها هستند. کدامین روز را به خاطر می آوریم که صدها کارگر در جنگ میان این و آن دولت جنگ افروز سرمایه، در خون خویش نغلتیده باشند. هم اینک در اوکراین میلیونها کارگر در میان شعله های جنگ می سوزند. فاشیسم دینی امروز در شکل صدها شبکه جنایتکار به ویژه ممالک خاورمیانه و شمال افریقا را جولانگاه توحش خود ساخته است. کشتار ادامه دار کارگران فلسطین توسط دولت دینی نژادپرست اسرائیل را همچنان بطور روزمره نظاره می کنیم. وجود میلیاردها کارگر گرسنه، فاقد آب آشامیدنی سالم، فاقد حداقل بهداشت و درمان و سرپناه، غرق در اعتیاد و مجبور به تن فروشی برای ارتزاق روزانه، وجود صدها میلیون کودک کار آماج وحشیانه ترین شکل استثمار، شکل روتین زندگی در جهان امروز است.

جهان موجود، جهان سرمایه است و دنیای واقعی سرمایه عین همین هیولایی است که تصویر شد. اگر بند بند وجود دنیای حاضر را گرسنگی، جنگ، آلودگی و تخریب محیط زیست، فاشیسم دینی و ناسیونالیستی و اینگونه فجایع می سازند یک دلیل بیشتر برایش نیست. صاحبان سرمایه و دولتهای سرمایه داری هستند که در پاسخ به نیازهای ارزش افزائی سرمایه، این وضع را پدید می آورند. ریشه گرسنگی ها در وجود رابطه خرید و فروش نیروی کار و تشدید هولناک استثمار کارگران توسط سرمایه است. بیماری های مهلک ناشی از بی بهداشتی را سرمایه می زاید.

ویرانسازی طبیعت و تخریب محیط زیست، از سوداندوزی سرمایه نشأت می گیرد. داعش و القاعده و طالبان و همه مافیاهای جنایتگر، محصول مستقیم گرسنگی، بی دانشی و مذهب پروری سرمایه اند. بیکاری، آوارگی و بی مسکنی حاصل موجودیت سرمایه داری است. یک سؤال بسیار اساسی و حیاتی در اینجا مطرح می شود. اگر تمامی این بشرستیزیها، از عمق هستی سرمایه پمپاژ می شود، پس چرا کارگران دنیا همه کار می کنند و تنها کاری که انجام نمی دهند جنگ واقعی علیه سرمایه و برای نابودی سرمایه داری است؟! پاسخ سؤال اگر نه خیلی ساده اما هیچ رمزآمیز هم نیست.

ذات وجود سرمایه وارونه نمائی کل واقعیتهای اجتماعی آفریده خود است. نیروی کار کارگر را می خرد اما القاء می کند که کل کار او را خریده است و بهایش را هم پرداخته است!! عظیم ترین بخش کار کارگر را اضافه ارزش و سود خود می سازد اما منشأ این سود و اضافه ارزش و کل وجود خود را که فقط کار پرداخت نشده کارگر است انکار می کند!! شروط ارزش افزائی و سودآفرینی هر چه بیشتر خود را مصالح زندگی عموم می خوانند!! دولت خود را نهاد نظم زندگی همگان می نامد!! قانون و حقوق و مدنیت و مناسبات پاسدار بقای خود را شیرازه آرامش و امنیت شهروندان نام می نهد!! سرمایه همه چیز را تحریف شده در ذهن، فکر، شعور و شناخت انسان ها جا می اندازد و زیر سایه این وارونه سازی ها، ماهیت بشرستیز خود را پنهان می گرداند. سرمایه، صاحبان خود را بر سر سهم اضافه ارزش ها و تقسیم سودها به رقابت و جدال با هم وا می دارد. عده ای را حاکم و عده ای را به موقعیت اپوزیسیون می راند. اپوزیسیون ها لباس مختلف می پوشند، راست، چپ، میانه، محافظه کار، سوسیال دموکرات، لیبرال، فاشیست، نازیست، اصلاح طلب، اصولگرا و هر چیز دیگر تن می کنند. بخشهایی حتی ادعای کمونیست بودن می کنند!! همه این ها به سراغ کارگران می آیند. کل مناقشات خود با رقبا بر سر سهم سود ها و قدرت ها را رهایی توده کارگر از ورطه استثمار و نابرابری و بی حقوقی القاء می کنند!! آنان از این طریق جمعیت عظیم بردگان مزدی ناراضی عاصی را فریب می دهند و قشون تسویه حساب خود با حریفان می سازند.

سرمایه در مواجهه با خشم و پیکار توده های کارگر از سناریوی دروغین «حق اعتصاب و تشکل»، توسل به قانون و مجلس و حق ساختن اتحادیه و سندیکا و حزب و مانند این ها هم در صورت لزوم بهره می گیرد. کار سندیکاها سوای کفن و کفن جنبش ما در نظم ارزش افزائی و حاکمیت سرمایه هیچ چیز دیگر نیست. پشت سر احزاب و دارو دسته های قانون مدار یا سرنگونی طلب، صف کشیده ایم و کار اینها صرفاً پانهادن بر روی شانه های قدرت ما و استقرار شکل معینی از سازماندهی رابطه خرید و فروش نیروی کار بوده است.

سرمایه به کمک تمامی این شگردها و ترفند ها است که طبقه ما را به وضعیت فاجعه بار

موجود انداخته است. وضعیتی که در آن محصول مستقیم کار و استثمار خویش را که از چنگ ما خارج و سرمایه شده است حق مسلم این مفتخوران می دانیم. ریشه گرسنگی و فقر و مرگ و میر ناشی از فلاکت خود را در وجود سرمایه، نمی بینیم!! اینکه فقط یکصدم جمعیت سرمایه دار دنیا از حاصل استثمار طبقه ما سرمایه ای به حجم چند ده برابر کل دار و ندار ۵ میلیارد نفوس همزنجیر ما در دستان خود متمرکز نموده اند برایمان امری عادی و متعارف و شاید هم محق جلوه می کند!! سیر صعودی میزان سرمایه ها در یک سوی و گسترش فقر و سیه روزی خود در سوی دیگر را پدیده ای قابل تحمل احساس می کنیم!! دولت سرمایه را نهاد حافظ منافع عموم به حساب می آوریم!! به قانون و قرار و نظم و نهادهای حقوقی سرمایه دخیل می بندیم!! و سرانجام پاره ای اعتراضات، مبارزات، خیزش ها و در نهایت سرنگونی طلبی های توخالی رایج را که هیچ تأثیر تعیین کننده ای حتی بر کاهش فشار استثمار و ستم های سرمایه داری ندارند، راه فرار از این جهنم به حساب می آوریم. ما سراسر قرن بیستم تا امروز از میدان واقعی مبارزه ضد سرمایه داری دور شده ایم. برای افزایش دستمزد، بهبود معیشت، آزادی های سیاسی، رفاه اجتماعی، رفع نابرابری های جنسی و قومی، بهبود محیط زیست، صلح و نوع اینها مبارزه کرده ایم اما این مبارزات عملاً و در واقع در چارچوب پذیرش ماندگاری سرمایه، اصلاح سرمایه داری و تعدیل جنایات این نظام چرخ خورده است. اینها نتایج شومی است که جدایی ما از ریل واقعی جنگ ضد سرمایه داری به بارآورده است.

توضیح واضح است که باید برای افزایش بهای نیروی کار، بهبود معیشت، رفاه اجتماعی، آزادی های سیاسی، رفع تبعیضات جنسی، بهتر شدن محیط زیست، محو کار کودکان و انبوه مسائل دیگر پیکار کرد. این را هر کارگری به طور مادرزاد می داند و تا هر کجا که بتواند انجام می دهد. کل بحث بر سر این است که هر گام مبارزه ما در هر کدام این حوزه ها باید مظهر تمام عیار جنگ ما علیه اساس موجودیت سرمایه داری باشد. مبارزه برای افزایش دستمزد مطلقاً معنایش این نیست که خواستار توافق کارفرمایان با چند تومان مزد بیشتر خود گردیم!! معنای ضد سرمایه داری و درست مبارزه آن است که بیلان کل تولید و کار سالانه خود را پیش چشم سرمایه داران و دولت هایشان قرار دهیم و به آنها اعلام داریم که ضد هر میزان سرمایه شدن محصول کار و تولید خود هستیم و برای گرفتن کل آن می جنگیم و به اندازه توان و قدرت خویش از شما می گیریم. کل این محصول باید صرف بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و ازکارافتادگان شود. آب، برق، گاز، خورد و خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج گردد. در اعتراض به پدیده بیکاری، به جای درخواست بیمه بیکاری محقرانه، حرف ما این است که باید در همه زمینه های خوراک و پوشاک و مسکن و تفریح و

کل احتیاجات زندگی به بهترین وجه و در بالاترین سطح رفاهی تأمین و تضمین باشیم. در پیکار علیه تبعیضات جنسی سخن ما این است که رایگان بودن کار خانگی و تاثیر بارزش بر نرخ اضافه ارزش ها و سودها، ساز و کار مهم تحمیل این تبعیضات است. کار خانگی باید محو شود. در پروسه این امحاء، هرساعت کار افراد در خانه، از بارداری و زایمان و پرورش کودکان گرفته تا آشپزی و نظافت و نگهداری از بیماران، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول اجتماعی به آن تعلق گیرد. هرشکل نابرابری میان زن و مرد در هر عرصه زندگی شخصی و اجتماعی، چند همسری محو و ازدواج افراد زیر ۱۸ سال ممنوع گردد. در عرصه مبارزه برای آزادی های سیاسی، به دنبال صدور جواز از نظام سرمایه برای آزادی تشکل و بیان و تظاهرات و اعتصاب نیستیم. با صدای رسا فریاد می زنیم که هر نوع دخالت هر نهاد دولتی در حوزه زندگی خصوصی و مبارزات اجتماعی خود را با قدرت سد می سازیم. در رابطه با مبارزه علیه آلودگی محیط زیست به عوامفریبی های دستگاههای قدرت سرمایه آویزان نمی شویم. مبارزه با هر نوع آلودگی زیست-محیطی را از طریق پیکار علیه اساس تولید برای سود، تعطیل فعالیت-های اقتصادی مخرب و آلاینده محیط زیست، منع هرنوع سرمایه شدن منابع طبیعی مانند جنگل، آب و زمین، دنبال می کنیم. در جنگ علیه دولت سرمایه، دست رد بر رژیستیزی بدون محتوای ضد سرمایه داری می زنیم.

با گفتن این حرف ها مسلماً صدای اعتراض تمامی رفرمیست ها از چپ تا راست در خواهد آمد. همه با هم فریاد سر خواهند داد که اینها خیالبافی است. از آنان می پرسیم که مگر وقتی شما غرق در مرداب رفرمیسم خواست افزایش چند درصدی دستمزد را به کارگران توصیه می کنید و زمانی که توده کارگر متوهم به رفرمیسم این مطالبه را پیش می کشند، صاحبان سرمایه سراسیمه به دست و پای کارگران می افتند و آمادگی فوری بدون قید و شرط خود را برای پرداخت این رقم اعلام می کنند؟! پس در هر حال باید جنگید. اما فرق این دو جنگ این است که در یکی، جنگ کنندگان لحظه به لحظه خود را نیرومندتر و سازمان یافته تر می سازند، در دیگری فقط طوق بردگی مزدی بر دست و پای خود را محکم می نمایند. تفاوت این دو جنگ آن است که یکی حتی زمانی که زمین و زمان را از های و هوی «سرنگونی و بر اندازی» پر می کند باز هم رفرمیسم خالص و عریان و سرمایه مدار است و دیگری ضد سرمایه داری و دارای بنمایه لغو کار مزدی است.

ما به جنبشی نیاز داریم که با افق لغو کار مزدی، در تدارک محو سرمایه داری، برای تحمیل تا سرحد ممکن انتظارات جاری توده های کارگر بر بورژوازی مبارزه نماید. توده های وسیع طبقه ما برای پیشبرد هر گام مبارزه طبقاتی خود علیه سرمایه نیازمند سازمانیابی آگاه سراسری خود هستند. این تشکل قطعاً نمی تواند سندیکا و اتحادیه و حزب باشد. تشکل مورد بحث باید تجلی

آگاه جمعیت هر چه کثیرتر آحاد کارگران، ظرف دخالتگری آگاهانه مستقیم و خلاق و نافذ همه این آحاد و کانون آموزش و رشد و ارتقاء مستمر آگاهی و اثرگذاری کل این توده ها باشد. این تشکل فقط و فقط شوراهای ضد سرمایه داری است. این تنها راه است و مابقی راهها همگی یکراست به گورستان است.

به اول ماه مه پردازیم. آنچه این سال ها زیر نام روز کارگر در تمامی دنیا برگزار می شود. نمایش بسیار مضحک، کاریکاتوری و کاملاً چندش باری است که رفرمیسم راست و چپ بر جنبش کارگری تحمیل نموده و هیچ نشانی از مراسم واقعی روز کارگر ندارد. توده کارگرانی که در سال ۱۸۸۶ میلادی در ایالت شیکاگو و برخی شهرهای امریکا به خیابان ها ریختند، علیه سرمایه شورییدند، سلاح اعتراض خود را به سوی سینه سرمایه داری نشانه رفتند. آنچه اینک می بینیم نه فقط هیچ نشانی از جدال ضد سرمایه بر چهره ندارد که از بیخ و بن سرمایه پسند و سرمایه مدار است. اکثریت قریب به اتفاق نیروهائی که فراخوان دهنده این سناریو هستند همان دار و دسته هائی می باشند که عصای دست بورژوازی برای کفن و دفن جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر بوده و هستند. سوسیال دموکراسی، اتحادیه های بزرگ و کوچک کارگری دنیا، دکه های حزبی و محافل در حال انقراض اردوگاه شوروی سابق، همه و همه در تحمیل وضعیت فاجعه بار موجود بر جنبش کارگری جهانی نقش داشته اند. مضحکه آفرینی آنها زیر نام مراسم روز کارگر نیز حلقه ای از زنجیره همان نقش بازی ها است. این سناریو باید پایان یابد و جای خود را به اول ماه مه سرمایه ستیز بسپارد. روز کارگر باید نمایش قدرت جنبش شورائی ضد کار مزدی در سراسر جهان شود. در هر کجا که هستیم، در هر کارخانه و کارگاه، مدرسه و بیمارستان، خطوط حمل و نقل، مزرعه، معدن، فروشگاه و دانشگاه، شوراهای ضد سرمایه داری خود را بر پای داریم. از درون شوراها مبارزه برای مطالبات جاری خویش را با جنگ سراسری طبقاتی علیه بردگی مزدی یکپارچه و یگانه سازیم.